

پژوهشی در نام گذاری کتاب خدا به قرآن

استاد محمدعلی مهدوی راد



شماره ۱۵۸ ، نیمه اول آبان ۱۳۸۳



نامگذاری پدیده‌ها، براساس اندیشه‌ها، آرمان‌ها و ارزش‌های گوناگون شکل می‌گیرد. در واقع، نام پدیده‌ها به گونه‌ای نشانگر گرایش‌ها، بینش‌ها و منش‌های مردمان است. مجموعه نگاشته‌ها که فرآیند تأمل‌های فرزندان و متفکران بوده است، معمولاً بر پیشانی خود «نامی» را به همراه داشته که از یک سو نشانگر محتوای آن بوده و از سوی دیگر نمایشگر ذوق، دانش و حسن انتخاب نویسنده آن بوده است.

مجموعه آیات الهی که برای هدایت انسان و بر کشیدن مردمان به اوج معرفت و آگاهی نازل شد، بر نام (یا نام‌ها)، اوصاف و ویژگی‌هایی نامبر دار شد؛ این به روزگاری بود که ادب عربی در اوج خود بود و مردمان آن روزگار، در گزینش واژه‌ها و به کار گرفتن کلمات برای بیان مقصود خود از چیرگی شگفتی برخوردار بودند. آیات الهی که در چنین هنگامه‌ای نازل شد، از چنان مکانت کلامی، شیوه بیانی و گزینش واژگانی برخوردار بود که تمام شیوه‌های بیانی در برابر آن رنگ باخت و همگان به بی همتایی آن خستو شدند.

بدین سان، بعید نیست که گزینش نام و صفات بر این کتاب الهی نیز تازه و بی‌همتا باشد. جاحظ، ادیب بلند آوازه قرن سوم هجری که نخستین گام در تبیین اعجاز بیانی قرآن و بی‌همتا زبانی آن را بر گرفته است، به این حقیقت اشاره کرده و می‌گوید: «خداوند کتابش را با نامی نامبر دار ساخت که با نامگذاری متداول میان عرب کاملاً متفاوت بود. خداوند مجموعه کلام خود را قرآن نامید، در حالی که آنان مجموعه سخنان را دیوان می‌نامیدند. خداوند بخشی از کلام خود را سوره نامید، در حالی که تازیان بخشی از سخنان خود را قصیده می‌نامیدند. خداوند بخش کوچکی از آن را آیه نامید که عربان به جای آن بیت می‌گفتند. آنان پایان هر بیت را «قافیه» می‌گفتند که قرآن آن را فاصله نام گذاشت»^۱. از سخن جاحظ چنین بر می‌آید که او برای کتاب الهی فقط «قرآن» را نام می‌داند.

نام و یا نام‌ها

پیشینیان عناوین مرتبط با قرآن کریم را «اسماء» می‌نامیدند؛ و آنها را نام‌های قرآن کریم تلقی می‌کردند. محمدبن جریر طبری این بحث را با عنوان «القول فی تاءویل اسماء القرآن» آورده و از چهار نام یاد کرده است: قرآن، کتاب، فرقان و ذکر^۲. شیخ طوسی (ره) نیز همین چهار نام را یاد کرده است و با همان عنوان بحث را پی نهاده است^۳؛ و چنین است بسیاری از منابعی که به این بحث پرداخته‌اند.^۴ پیش‌تر آوردیم که از کلام جاحظ می‌توان چنین فهمید که او «قرآن» را تنها نام کتاب الهی می‌داند و بدین سان عناوین دیگر از دیدگاه وی را - اگر این استنباط از کلام او درست باشد - باید اوصاف قرآن کریم دانست. قرآن پژوه معاصر، دکتر سید محمدباقر حجتی نیز بر این باورند و نوشته است: «نگارنده...

جز عنوان «قرآن» کریم عناوین را اعلام و اسامی کتاب آسمانی مسلمین نمی‌داند؛ بلکه همگی آنها را اوصافی برمی‌شمارد که می‌توان قرآن کریم را بدان‌ها توصیف نمود»^۵. آلوسی بغدادی می‌گوید: «پیشینیان تمام آنچه را «نام» قرآن کریم می‌دانند به دو عنوان قرآن و فرقان بر می‌گردد، همانا اسما الهی که به دو اسم «جمال» و «جلال» بر می‌گردد»^۶.

گسترده‌گی عناوین

اسامی و اوصاف قرآن کریم افزون بر صفحات آغازین تفسیرها، در نگاشته‌های علوم قرآن نیز بحث شده است، و برخی از عالمان، کتاب‌های ویژه‌ای برای تبیین و توضیح بحث نگاشته‌اند.^۷ زرکشی می‌گوید: علی بن احمد حرالی در این باب کتابی نوشته و نود و اندی نام و وصف برای قرآن بر شمرده است.^۸ زرکشی و سیوطی از ابوالمعالی عزیزی بن عبدالملک مشهور به قاضی شیدله، یاد می‌کنند که ۵۵ نام و عنوان برای قرآن کریم بر شمرده است.^۹ مفسر بلند آوازه شیعی، شیخ ابوالفتوح رازی از ۴۲ عنوان برای قرآن کریم سخن گفته است.^{۱۰} فخرالدین رازی می‌گوید: «قرآن را نام‌های بسیاری است» و از چهل نام و عنوان با اندکی شرح و توضیح یاد می‌کند.^{۱۱} حال سبب این همه نام و عنوان چیست؟ قرآن کتابی است شگفت و معارف آن ناپیدا کرانه. قرآن ظاهری زیبا، چشم نواز و دلربا دارد، و باطنی ژرف و اعماقی جلیل.^{۱۲} آیا این همه نام‌ها و عناوین برای تنبّه به این گسترده‌گی ابعاد، ژرفایی معانی، فخامت محتوی و جزالت بیان نیست؟

آیه‌پ‌الله جوادی آملی، در سبب تعدد نام‌ها و وصف‌های قرآن کریم آورده است: قرآن از آن جهت که تجلی خداوندی است بی‌همتا و دارای اسماء حسنی، خود نیز کلامی بی‌مانند و دارای اسماء حسنی است، همانند قرآن، فرقان. کلام الله - کتاب الله و... و این اوصاف برجسته مرادف نیستند بلکه هر کدام کمالی از کمال‌های آن وحی الهی را بیان می‌کند.^{۱۳}

بدین سان توجه به نام‌ها و وصف‌های قرآن کریم، که در آیات الهی از آنها یاد شده است، گامی است در شناخت این کتاب الهی و مصحف ربّانی؛ اما ما در این نوشتار تنها به مشهورترین نام‌های این کتاب آسمانی (قرآن) می‌پردازیم.





قرآن

واژه «قرآن» هفتاد بار در قرآن کریم آمده است، که در چهار مورد قطعاً مراد قرآن کریم نیست. از آن چهار مورد، دو مورد در سوره اسراء است که خداوند می‌فرماید: «اقم الصلوة لعلک الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجران قرآن الفجر کان مشهوداً». ۱۴ در این آیه، مراد از «قرآن» خواندن است و «قرآن الفجر» یعنی خواندن نماز صبح^{۱۵}. دو مورد دیگر نیز در سوره قیامت است که خداوند می‌فرماید: «ان علینا جمعه و قرآنه فاذا قرأناه فاتبع قرآنه». ۱۶ که منظور از «قرآن» در هر دو مورد، خواندن است، چه آن را خطاب به پیامبر بدانیم و مراد قرائت وحی باشد، و چه خطاب به انسان در صحنه قیامت، و مراد خواندن نامه عمل باشد. معنای اول را قریب به اتفاق مفسران گفته‌اند^{۱۷}؛ اما معنای دوم با توجه به آهنگ کلی سوره و وحدت سیاق استوارتر به نظر می‌رسد^{۱۸}. غیر از این چهار مورد، در بقیه جاها مراد کتاب الهی است و در هر آیه‌ای، بعدی از ابعاد مختلف قرآن و جنبه‌های گوناگون آن تبیین شده است، گاه از نزول قرآن سخن رفته است^{۱۹}، گاه از دعوت به تامل، شنیدن، تدبیر کردن و از آموزه‌های والای آن بهره گرفتن^{۲۰}، و گاه خیره سری مشرکان در برابر انوار تابناک قرآن بیان شده است^{۲۱}؛ و گاه از بی‌همتایی قرآن^{۲۲} و اوج بلاغت و گستره فصاحت تأثیر گذارنده آن، شیوه بیانی و روشنی زبان، استواری کلام و سهولت فراگیری حقایق آن^{۲۳}؛ گاه بر این نقطه تأکید شده است که قرآن کتاب هدایت است، هدایت در جهت دست یافتن بر استوارترین شیوه‌ها و بهترین راه‌ها^{۲۴} و کتاب بیداری و آگاهی و شفا از دردها و رحمت برای مؤمنان است^{۲۵}؛ و دیگر گاه چگونگی تلاوت آیات آن و ایستادن در محضر قرآن را برای هرچه بیشتر بهره گرفتن از تعالیم آن عرضه کرده است^{۲۶}.

واژه‌شناسی «قرآن»

عالمان اسلامی در تلفظ، اشتقاق و معنای کلمه «قرآن» هم عقیده نیستند. گزیده آرای قرآن پژوهان و مفسران را درباره واژه قرآن بدین گونه می‌توان گزارش کرد:

۱. قرآن کلمه‌ای است جامد، و علم برای کتاب الهی که ارتجالاً برای این کتاب عظیم وضع شده است. ۲. قرآن، کلمه‌ای است عربی و مشتق از «قرأ» به معنای جمع و افزون چیزی بر چیزی ۳. قرآن کلمه‌ای است که از «قرن» گرفته شده است، و از ضمیمه کردن چیزی به چیزی حکایت می‌کند، چون آیه‌ها و سوره‌ها، که بر هم جمع شده و قرآن را تشکیل داده‌اند این اقوال - که البته اقوال دیگری نیز هست - دو محور اصلی دارد: الف. قرآن را مهموز بدانیم یا غیر مهموز تلقی کنیم؛ ب. قرآن را مشتق بدانیم یا غیر مشتق تلقی کنیم.

اکنون اندکی به شرح این دیدگاه‌ها می‌پردازیم:

۱. واژه ی قرآن جامد است.

محمد بن ادریس شافعی واژه «قرآن» را جامد می‌داند. او می‌گوید: اگر «قرآن» مشتق باشد باید هر کتابی را که قرائت می‌شود بتوان واژه «قرآن» را بر آن اطلاق کنیم^{۲۷}.

۲. قرآن مشتق و به معنای «جمع» است.

بسیاری از عالمان و قرآن پژوهان واژه «قرآن» را از «قرء» به معنای جمع مشتق دانسته‌اند. کهن‌ترین ردپای این دیدگاه را به روزگار تابعین می‌توان یافت. قتاد بن دعامة سدوسی از مفسران روزگار تابعین بر این باور بوده است، که طبری دیدگاه وی را چنین گزارش کرده است: قرآن مصدر یا صفتی است برای قرء، به معنای جمع کردن، چنان که عرب وقتی چیزی را گرد آورده و پاره‌ای را بر پاره دیگر می‌افزاید می‌گوید: «قرأت الشی قراناً» چیزی بر آن افزودم. ابواسحاق ابراهیم بن سری مشهور به زجاج از ادیبان و مفسران قرن چهارم نیز این رأی را پذیرفته است، او می‌گوید: قرآن وصف است بر وزن فعالان، و مشتق است از «قرء» به معنای جمع کردن و فراهم آوردن، چنان که عرب می‌گوید: «قرء الماء فی الحوض» یعنی: آب در حوض جمع شد. ابو عبید قاسم بن سلام می‌گوید: از آن روی قرآن را «قرآن» گفته‌اند که سوره‌ها برخی بر برخی دیگر فراهم آمده و یکجا جمع شده‌اند.^{۲۹}

راغب اصفهانی از برخی از عالمان نقل کرده است:

قرآن را از آن روی «قرآن» گفته‌اند که فراگیرنده تمام فرآیند کتاب‌های آسمانی و جامع فرآیند دانش‌هاست.^{۳۰}


۳. قرآن، مشتق و به معنای قرائت و تلاوت است

این دیدگاه را نیز بسیاری از قرآن پژوهان و مفسران پذیرفته‌اند؛ و شاید بتوان گفت این دیدگاه در میان عالمان اسلامی از اقبال بیشتری برخوردار شده است. ظاهراً عبدالله بن عباس، مفسر جلیل‌القدر روزگار صحابیان، نخستین کسی است که این سخن را گفته است. طبری رأی ابن عباس را بدین سان گزارش کرده است: قرآن، از «قرأت القرآن» بر وزن «خسران» و «غفران» به معنای خواندن است، و به دیگر سخن اسمی است برای آنچه خوانده می‌شود.^{۳۱}

محمد بن جریر طبری سخن ابن عباس و قتاده را روایت کرده و سخن ابن عباس را می‌پذیرد و برای استوارسازی آن استدلال می‌کند. ۳۲ شیخ طوسی نیز بر این باور است، وی پس از نقل اقوال مختلف، دیدگاه ابن عباس را می‌پذیرد و آنچه را طبری در تأیید آن آورده است با تحریری دقیق‌تر و با افزون شواهدی دیگر نقل می‌کند.^{۳۳}

آلوسی بغدادی نوشته است:

«سخن زجاج در میان این دیدگاه‌ها استوارترین دیدگاه است؛ زیرا مهموز بودن واژه قرآن در میان عرب مشهور است و قاریان هفتگانه



- به جز عبدالله بن کثیر - قرآن را مهموز قرائت کرده‌اند»^{۳۴}.
در میان قرآن‌پژوهان معاصر، دکتر صبحی صالح نیز پس از نقل
اقوال این نظر را بهترین دانسته و نوشته است: «استوارترین و
دقیق‌ترین سخن این است که قرآن در لغت مصدر است و مرادف
با قرائت معنای واژه قرآن در آیه «ان علینا جمعه و قرآنه فاذا قراناه
فاتبع قرآنه»^{۳۵} نیز چنین است».

۴. «قرآن» از «قرن» مشتق است

ابوالحسن اشعری پیشوای اشاعره و پیروانش بر این باورند که
قرآن «مهموز» نیست و اشتقاق آن از واژه «قرن» است. عرب
چون چیزی را به چیز دیگری ضمیمه کند، می‌گوید: «قرنت الشئی
بالشئی» بدین سیاق بر جمع سوره‌ها و آیه‌ها هم قرآن می‌گویند.
این دیدگاه در میان دانشمندان اقبالی نیافته، و برخی عالمان آن را
به دور از قواعد عربی تلقی کرده‌اند.^{۳۶}

بدین سان می‌توان گفت که مصدر بودن واژه قرآن و یا وصف
بودن آن - بر وزن غفران - و به معنای قرائت و تلاوت صحیح‌تر
به نظر می‌رسد.

اکنون بنگریم این کتاب الهی و مجموعه آموزه‌های وحی چرا به
نام «قرآن» نامیده شده است.

قرآن حقیقتی ملکوتی دارد و فرازمندتر از آن است که در محدوده
ذهن‌های بشری قرار گیرد و به زبان بشری گفته شود. این کتاب
مرتبه‌ای است از علم الهی و در مقامی بس بالاتر از آن که در
قالب لفظ بگنجد و به گونه الفاظ درآید؛ اما خداوند متعال بر مردم
منت نهاده و به انسان آن را تنزل داده است که به صورت الفاظی
خواندنی در آید؛ و زمینه تعقل و تفکر در این حقایق را فراهم آورد؛
که خداوند فرمود: «انا جعلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون»^{۳۷} بدین
سان می‌توان گفت که این نام، به این نکته اشعار دارد و نشانگر
این است که آنچه در مقابل ماست، مجموعه‌ای است خواندنی و
وجود نازل‌های از آن حقایق علوی.



دکتر صبحی صالح نیز با توجه به دیدگاه‌های برخی از خاورشناسان و نیز نفوذ لهجه آرامی در بلاد عربی آن روزگار، واژه قرآن را آرامی دانسته و آن را دخیل از لهجه آرامی تلقی کرده است.^{۴۹}

پیش‌تر آوردیم که واژه «قرآن» در ساختار مهموز آن و به معنای جمع، در ادب جاهلی پیشینه داشته و به معنای تلاوت و قرائت نیز در شعر شاعران فصیح گوی آن روزگار آمده است.^{۵۰} با توجه به این نکته و با دقت در معجم‌های لغوی و موارد استعمال آن در ادب عربی، و در نگرستن در پژوهش‌های خاورشناسان و چگونگی استدلال‌های آنان، گویا تردیدی باقی نمی‌ماند که ادعای دخیل بودن آن صحیح نیست و واژه قرآن عربی است و ریشه عربی دارد و از هیچ زبان و لهجه‌ای گرفته نشده است. درباره واژه قرآن به لحاظ تلفظ و اشتقاق و ساختار زبانی آن دیدگاه‌های دیگر نیز هست که به لحاظ اختصار از آن می‌گذریم، و برای جست‌وجوگران معارف قرآنی توفیق آرزو می‌کنیم.

دیگر آن که، این وصف بدان لحاظ است که خداوند این کتاب را بر پیامبر (ص) می‌خوانده است. «سنقرئک فلاتنسی»^{۳۸} که از این حقیقت با تعبیر تلاوت نیز یاد کرده است: «تلك آیات الله نتلوها عليك بالحق»^{۳۹} که نمایانگر آن است که قرآن کریم با همین الفاظ بر پیامبر القا و خوانده می‌شده است. کتابی است خوانده شده بر رسول الله (ص). برخی از عالمان در ضمن توجیهاتی که برای نام قرآن یاد کرده‌اند، این دو وجه را استوارتر دانسته‌اند.^{۴۰} برخی دیگر از مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر این نکته را به گونه‌ای دقیق‌تر چنین بیان کرده‌اند:

قرآن مصدر است که به عنوان «نام» برای کتاب الهی نازل شده به رسول الله (ص) برگزیده شده است و این بدان لحاظ است که این کتاب را خداوند، پیامبر (ص)، و مردم می‌خوانند و هیچ کتاب دیگری دارای این ویژگی‌ها نیست، اما قرائت خداوند: «فإذا قرأناه فاتبع قرآنه»^{۴۱}، «بیل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ»^{۴۲ و ۴۳}

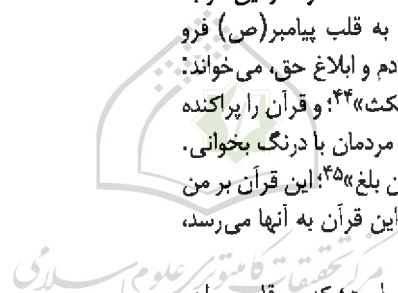
قرآن در این مرتبه در لوح محفوظ است، که خداوند از این مرتبه که مرتبه‌ای است از علم الهی، آن را به قلب پیامبر (ص) فرو می‌خواند و پیامبر آن را برای هدایت مردم و ابلاغ حق، می‌خواند: «و قرأنا فرقانه لتقرأه علی الناس علی مکث»^{۴۴}؛ و قرآن را پراکنده [آیه به آیه، سوره به سوره] آوردیم تا بر مردمان با درنگ بخوانی. «و اوحی الی هذا القرآن لانذرکم به و من بلخ»^{۴۵}؛ این قرآن بر من وحی شده، تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می‌رسد، بیم دهم [آگاه کنم].

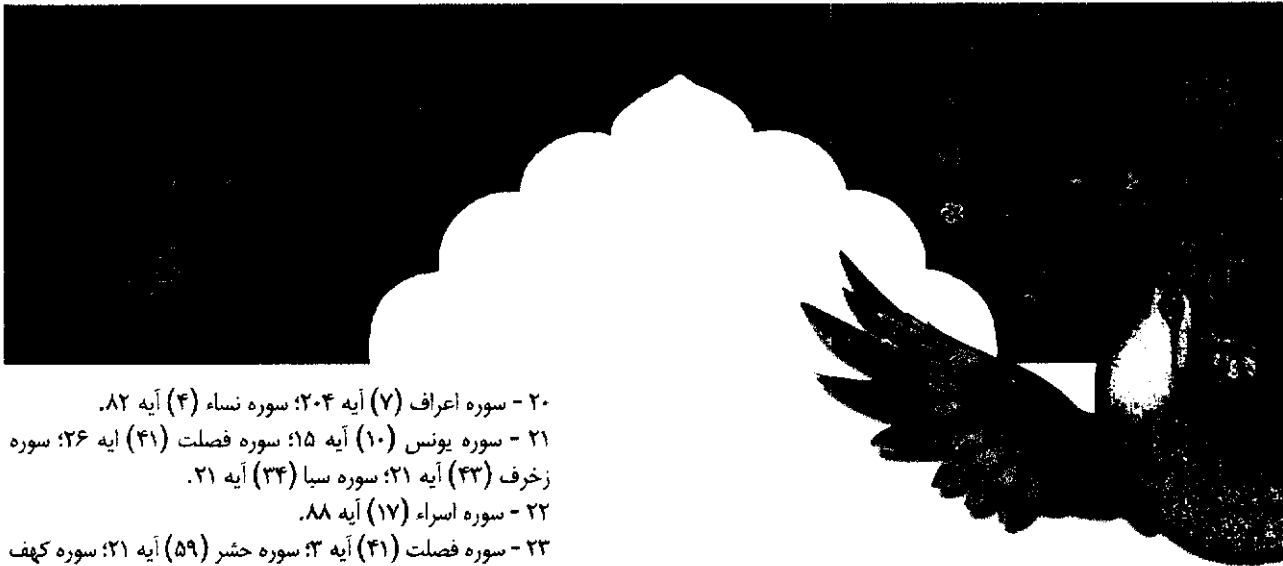
بدین سان قرآن کریم آیین‌نامه زندگی است؛ که بر قلب مطهر پیامبر (ص) فرود آمده است؛ تا بر مردم بخواند و حیات طیبیه را بدان‌ها نشان دهد و آنان را به مقصد اعلا و مقصود والا رهنمون شود. مردم نیز باید آن را بخوانند: «فاقروء ما تیسر من القرآن»^{۴۶}. بدین گونه قرآن برای هدایت انسان و رها کردن آنان از تباهی‌ها و رساندن آنان به قله سعادت کمال فرو آمده است که باید بخوانند و در آن تدبر کنند و به آموزه‌هایش عمل کنند.^{۴۷}

آیا واژه قرآن دخیل است؟

در قرآن کریم واژه‌هایی می‌توان یافت که ریشه در لغات و زبان‌هایی غیر از عربی دارند، که از این واژه‌ها در بیان قرآن‌پژوهان به واژه‌های دخیل و یا معرب یاد می‌شود. از جمله واژه‌هایی که از این نگاه به بحث و بررسی نهاده شده، واژه «قرآن» است. برخی از خاورشناسان بر این پندارند که واژه قرآن، دخیل است و ریشه آن را در واژه‌های سریانی و یا عبری جستجو کرده‌اند.

آرتور جفری نیز ضمن بررسی ریشه لغوی واژه «قرآن» و گزارشی از کاربرد آن در آیات الهی، به نقل از تنی چند از خاورشناسان، واژه قرآن را دخیل دانسته و در نهایت دیدگاه خود را چنین آورده است: ... تردیدی نمی‌ماند که [این] واژه از منابع مسیحی به زبان عربی درآمده است.^{۴۸}





پی نوشت ها:

- ۱- الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، جلال‌الدین، قم، منشورات رضی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷۸.
- ۲- جامع البیان عن تأویل آی القرآن، طبری، محمدین جریر، بیروت، دارالفکر، ج ۱، ص ۴۱.
- ۳- التبیان فی تفسیر القرآن، طوسی، محمدین حسن، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۷.
- ۴- ر.ک: البرهان فی علوم القرآن، زرکشی، بدرالدین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۷۰؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۷۸.
- ۵- مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات اولین کنفرانس علوم و مفاهیم قرآن، ص ۲۷۶.
- ۶- روح المعانی، الوسی بغدادی، شهاب‌الدین سیدمحمود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۸.
- ۷- البرهان، ج ۱، ص ۲۲۳، برخی از این گونه آثار را بر شمرده است.
- ۸- همان.
- ۹- الاتقان، ج ۱، ص ۱۷۸.
- ۱۰- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، رازی، ابوالفتح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸.
- ۱۱- التفسیر الکبیر، رازی، فخرالدین، بی‌جا، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴.
- ۱۲- علی (ع) فرمود:... ان القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق، لاتفسی عجائبه ولاتتنقضی غرائبیه...؛ ظاهر قرآن زیباست، باطن آن ژرف ناپیداست، عجایب آن سپری نگردد، غرایب آن به پایان نرسد. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸.
- ۱۳- پیرامون وحی و رهبری، ص ۳۰.
- ۱۴- سوره اسراء (۱۷) آیه ۷۸.
- ۱۵- جامع البیان، ج ۹، ص ۱۴۰؛ التبیان، ج ۶، ص ۵۰۹؛ المیزان، ج ۱۳ و ص ۱۷۵.
- ۱۶- سوره قیامه (۷۵) آیه ۱۷-۱۸.
- ۱۷- جامع البیان، ج ۱۴، ص ۱۸۸؛ التبیان، ج ۱۰، ص ۱۹۶؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۱۱۰.
- ۱۸- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۹۷؛ الاتقان، ج ۳، ص ۳۷۶؛ الی القرآن الکریم، ص ۱۸۱.
- ۱۹- سوره بقره (۲) آیه ۱۸۵.
- ۲۰- سوره اعراف (۷) آیه ۲۰۴؛ سوره نساء (۴) آیه ۸۲.
- ۲۱- سوره یونس (۱۰) آیه ۱۵؛ سوره فصلت (۴۱) آیه ۲۶؛ سوره زخرف (۴۳) آیه ۲۱؛ سوره سبا (۳۴) آیه ۲۱.
- ۲۲- سوره اسراء (۱۷) آیه ۸۸.
- ۲۳- سوره فصلت (۴۱) آیه ۳؛ سوره حشر (۵۹) آیه ۲۱؛ سوره کهف (۱۸) آیه ۵۴؛ سوره قمر (۵۴) آیه ۱۷؛ سوره زمر (۳۹) آیه ۲۸.
- ۲۴- سوره بقره (۲) آیه ۲ و ۱۸۵؛ سوره اسراء (۱۷) آیه ۹.
- ۲۵- سوره اسراء (۱۷) آیه ۴۱ و ۸۲؛ سوره یس (۳۶) آیه ۶۹؛ سوره قمر (۵۴) آیه ۴۰.
- ۲۶- سوره اعراف (۷) آیه ۲۰۴؛ سوره مزمل (۷۳) آیه ۴ و ۲۰.
- ۲۷- تاریخ بغداد، خطیب احمدین علی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۲.
- ۲۸- الاتقان و ج ۱، ص ۱۸۲.
- ۲۹- البرهان، ج ۱، ص ۳۷۳.
- ۳۰- المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۰۲.
- ۳۱- جامع البیان، ج ۱، ص ۴۲.
- ۳۲- جامع البیان، ج ۱، ص ۴۳.
- ۳۳- البیان، ج ۱، ص ۱۸.
- ۳۴- روح المعانی، ج ۱، ص ۸.
- ۳۵- مباحث فی علوم القرآن، صبحی الصالح، ترکیه، دار سعادت، بی‌تا، ص ۱۹.
- ۳۶- مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۹.
- ۳۷- المیزان، ج ۱۸، ص ۸۳.
- ۳۸- سوره اعلیٰ (۸۷) آیه ۶.
- ۳۹- سوره بقره (۲) آیه ۲۵۲.
- ۴۰- نور علم (نشریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، «مقدمه معارف قرآن»، دوره دوم، شماره سوم، ص ۳۶.
- ۴۱- سوره قیامه (۷۵) آیه ۱۸.
- ۴۲- سوره بروج (۸۵) آیه ۲۱.
- ۴۳- التحقیق فی کلمات القرآن، مصطفوی، حسن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۲۲۲.
- ۴۴- سوره اسراء (۱۷) آیه ۶.
- ۴۵- سوره انعام (۶) آیه ۱۹.
- ۴۶- سوره مزمل (۷۳) آیه ۲۰.
- ۴۷- التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۹، ص ۲۲۲.
- ۴۸- واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ص ۳۳۹-۳۴۱.
- ۴۹- مباحث فی علوم القرآن، ص ۲۰.
- ۵۰- از جمله در شعر حسان بن ابن ثابت، ر.ک: دیوان حسان، ص ۲۱۶ و به نقل از: التطور الدلالی بین لغه الشعر الجاهلی و لغه القرآن الکریم، ص ۴۹۱.

اسامی شرکت کنندگان بخش رایانه

مهر پرتو رایانه
بنیاد علوم و معارف اسلامی
بانک نرم افزاری دانش پژوهان
افق رایانه آسیا
شرکت ره آوران سورا رایانه
شرکت پیغام نور رایانه (خادم القرآن کریم)
شرکت حسیب رایانه (با مسولیت محدود)
موسسه فرهنگی فرازا
موسسه خانه کتاب
انتشارات بنی هاشم
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
توسعه نرم افزار مهر گستر
نوای نینوا مهر
فدک (نشریه الکترونیک بیتاب)
موسسه فرهنگی هنری مهر واژه
مبلغ رایانه آسیا
شرکت تعاونی طلوع ابرار نور
یاسین رایانه
موسسه تحقیقاتی مرسلین
ستاد اقامه نماز سازمان صدا و سیما
مهتاب رایانه گستر
نوای طاها گستر
شرکت فن آوری اطلاعات آینده تکنو قشم (فیتکو)
بنیاد قرآن و عترت سپاه
شخص حقیقی
موسسه فرهنگی رایت
موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان نور
مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان
مرکز نشر تولیدات الکترونیک اداره روابط عمومی و انتشاراتی سپاه
میثاق نوین
سازمان سینمایی سوره
موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر
گسترش دنیای نرم افزار
واحد نمونه عرضه محصولات فرهنگی رحمان